
روش مشاهده در علوم اجتماعی

پروفسور فرامرز رفیع پور
گروه جامعه‌شناسی

۱ - مقدمه

یافتن روشهای مناسب شناخت همواره اساسی‌ترین مسئله علم بوده است و پیشرفت هر علمی در درجه اول به آن بستگی دارد که دانشمندان چگونه، یعنی به چه طریق و با چه روشی در زمینه مورد نظر شناخت کسب نمایند. منظور از روش چنانکه قبلاً در کتاب "کندوکاوها و پنداشته‌ها" (رفیع پور، ۱۳۶۰) بدان اشاره کرده‌ام، آن است که هدفهای شناختی به چه طریق و بر مبنای چه ضوابط و قواعدی به دست می‌آیند تا به طور بین‌ذهنی (Intersubjective) مورد پذیرش دیگر دانشمندان نیز باشد. آن هم تا آن زمان که ابطال نشده‌اند.

کوشش به بهبود روشهای علوم اجتماعی خصوصاً در حدود سال ۱۹۲۵ با کارهای شاگردان آقای پارک (Park)، بالاخص بوگاردوس (Bugardos, 1928)^۱ در دانشگاه شیکاگو امریکا آغاز شد و همواره در حال گسترش بوده است. به این تحولات در کتاب کندوکاوها (رفیع پور، ۱۳۶۰) اشاره شد و در همانجا کوشش به عمل آمد که در قسمت اول، چهار چوبهای نظری روش‌شناسی و در قسمت دوم مهمترین روش معمول در علوم اجتماعی، یعنی پرس و جو برای دانشگران و دانشجویان به طور قابل فهم و مبسوط تشریح گردد. اکنون این نیاز بیشتر احساس می‌شود که این علاقمندان با دیگر تکنیکهای تحقیق در علوم اجتماعی نیز آشنا گردند و از آنجا که منابعی به زبان فارسی ظاهراً وجود ندارد بر آن شدم تا با وصف اشتغالات علمی مهمتر، به تهیه یک منبع کوچک در این زمینه بر

۱: از این پس منابع استفاده شده در داخل متن و در پرانتز ذکر خواهند شد. بدین ترتیب که پس از نام مولف سال انتشار آن منبع و سپس صفحه‌ای که در آن مطلب مورد نظر آمده است نوشته خواهد شد. مشخصات کامل آن منبع را می‌توان در پایان مقاله، در قسمت منابع تحت نام نویسنده، مذکور یافت.

آیم و از این طریق راه را برای کاوشها و تجربیات عملی باز نمایم تا از آن پس انشاءالله — بالاخص، به همت شاگردان عزیز، پرشور و پرکار این مکتب کارهای عمیق‌تری در این زمینه انجام گیرد.

۲- روش مشاهده و کاربرد آن در علوم اجتماعی

چنانکه اشاره شد، معمول‌ترین و پر اعتبارترین روش علوم اجتماعی، روش "پرس و جو" یا "مصاحبه" (Survey Interview) می‌باشد. البته منظور از پرس و جو آن نیست که یک شخص یک برگ کاغذ در دست گیرد و بر روی آن چند سؤال بنویسد و از یک نفر بپرسد مثلاً: "آقا نظر شما دربارهٔ گرانی و یا مشکل مسکن چیست؟" این کار از دست هرکس برمی‌آید و اگر دانشجویان جامعه‌شناسی و اساتید آنها چنین کنند، فرقی با "امیون" ندارند، بلکه باید به تمام شرایطی که در کتاب کندوکاوها بدانها اشاره و بعداً نیز در این مقاله در نظر گرفته شده‌اند، توجه نمود. اما در موارد قابل توجهی یک دانشمند علوم اجتماعی نمی‌تواند مسئله مورد بررسی خود را با روش پرس و جو بسنجد، بلکه نیازمند به روشهای دیگری از جمله روش مشاهده است که در اینجا مختصراً به این موارد اشاره می‌شود:

مثلاً "اگر ما بخواهیم دربارهٔ ایل ترکمن و یا ایل شاهسون تحقیق کنیم و تاکنون هیچ نوع اطلاعاتی در این زمینه نداشته‌ایم و همچنین فرض می‌کنیم که اصلاً هیچگونه منبعی برای مطالعه نداشته باشیم و ما هم از جای دیگر این گروه خاکی کوچک باشیم، در آن صورت چگونه می‌خواهیم تحقیق کنیم؟ دربارهٔ چه مسئله‌ای؟ به دنبال چه فرضیه‌ای؟ با کدام زبان؟ با کدام آشنایی با آداب و رسوم؟ ... به همین دلیل خانم کلوک هن (Kluckhohn, 1968: 97) معتقد است: در تحقیقاتی که ما برای اولین بار می‌خواهیم اطلاعاتی دربارهٔ یک قوم و گروه ناشناخته به دست آوریم (یعنی در رشته مردم‌شناسی (Anthropology)، بالاخص روش مشاهده به کار می‌آید. به عبارت دیگر به قول یاهودا و همکارانش روش مشاهده برای "کشف سرزمینهای جدید" به کار می‌آید (مقایسه شود: Jahoda et al, 1966: 83). هرچند که آقای کانتوسکی (Kantowski) این تز "کشف سرزمینهای جدید" را رد می‌کند، زیرا به عقیده او: "این تز براساس روشهای استقرایی (و تجربه‌گرایانه) علم بنا شده است". (یعنی ما اول مشاهده و تجربه می‌کنیم و سپس تئوری می‌سازیم). در صورتی که "جریان شناخت علمی پذیرفته شده امروزی برپایه روش قیاس بنامی شود. براین اساس مشاهدات وقتی از نظر علمی با محتوا خواهند بود که بر پایه یک تئوری، به دنبال هدفهای مشخص کاوش نمایند" (Kantowski)

1969:432)، اما خود یعنی آقای کانتوسکی در جای دیگر همان مقاله می‌نویسد: "اقامت در محل تحقیق برای مشاهده‌گر دو چیز را امکان‌پذیر می‌سازد، تحقیق و درک شرایط اجتماعی جدید (یا به عبارت دیگر) مشاهده با هدف مشخص و کسب تجربه. فرای موضوع مورد بررسی، مشاهده‌گر با مسایل عملی نیز مواجه می‌شود". سپس کانتوسکی تأکید می‌کند: "این تجربیات جدید لازمند برای تهیه فرضیات جدید". بنابراین او حرف خود را در واقع نفی کرده است. زیرا اگر فرض کنیم که روش پرس و جو نسبت به روش مشاهده نتایج دقیق‌تری را به دست خواهد داد (نگاه کنید به مطالب بعد و فصل ۸) در آن صورت روش پرس و جو وقتی امکان‌پذیر است که برای تهیه معرفیها و سئوالات اطلاعات کافی در مورد محل و جامعه مورد مطالعه وجود داشته باشد. لذا مشاهده گامهای اول تحقیق برای کشف سرزمینهای جدید را بر می‌دارد و راه را برای تحقیقات دقیق‌تر مانند پرس و جو باز می‌کند و به عنوان تحقیقات مقدماتی، امکان طرح‌ریزی یک پژوهش دقیق را فراهم می‌سازد. (مقایسه شود همچنین Lynch, 1976:11)

در مواردی نیز که روش پرس و جو ممکن است بتواند مورد استفاده قرار گیرد، بسیار پیش می‌آید که افراد مورد مطالعه به دلایلی نظیر کم‌حوصلگی و یا نداشتن وقت و یا از همه مهمتر به علت تجربیات بد و یا ترس از ضررهایی میل به مصاحبه نشان نمی‌دهند و حتی المقدور از آن سر باز می‌زنند. (مقایسه شود مثلاً Pinther, 1975:502). اینگونه موارد روش مشاهده می‌تواند برای کسب اطلاع مفید واقع شود.

مثال ۱:

- ۱- در یکی از روستاهای ترکمن صحرا، روستاییان به محقق و دانشجویان پژوهشگر، به علت نارضایتی از تصمیمات دولت وقت که مراتع آنها را تصاحب کرده بود، اجازه تحقیق ندادند.
- ۲- آقای هوف من (Hoffmann, 1963:66) از تحقیقاتش در آفریقا گزارش می‌دهد که افراد روستاهای مورد مطالعه از ترس مالیات و یا سر بازگیری در مصاحبه شرکت نمی‌نمودند.
- ۳- یکی از سپاهیان ترویج و آبادانی می‌گفت: "وقتی از کشاورزی پرسیدم: چند تا گوسفند داری؟ او گفت ۲۰ تا. بعدها وقتی خواستیم گوسفندان او را واگسینه کنیم، همان کشاورز ۳۰۰ گوسفند برای واگسیناسیون آورد. از او پرسیدم: چرا پس اول گفته بودی فقط ۲۰ تا گوسفند داری؟ او در جواب گفت:

من فکر کردم شما برای مالیات گرفتن این سؤال را گردی".
 (Rafipoor, 1974:41, 98).
 بنابراین آن سپاهی ترویج‌توانسته بود با پرس و جو اطلاعات
 صحیح را به دست آورد.

در موارد خاصی نیز موضوعات مورد مطالعه اساساً "با روش پرس و جو قابل بررسی نیستند و محققین باید از روش‌های دیگر از جمله مشاهده استفاده نمایند:

مثال ۲:
 در یکی از روستاهای گوکلان نشین ترکمن صحرا (به نام میرزا
 پایک) براساس اطلاعات مقدماتی، تعداد قابل توجهی از اهالی
 معتاد به تریاک بودند. برای پی‌بردن به تعداد دقیق معتادین،
 گوشش شد، سؤالاتی محتاطانه در این زمینه طرح شود مثلاً: "آدم
 گاهی هوس کشیدن تریاک می‌کند (خصوصاً "اینکه اگر گوش درد یا
 دندان درد داشته باشد...) تا حالا شده است که شما به دلایلی
 یک پگی به وافور بزیند؟" حتی یک نفر هم پیدا نشد که به این
 سؤال پاسخ مثبت دهد. اما یکی از دانشجویان که در این زمینه کم
 و بیش تجربیات عملی داشت ضمن پی‌بردن به بوی تریاک با برقرار
 کردن روابط نزدیکتر و همگیش نشان دادن خود، وسایل استفاده‌از
 آن را نیز مشاهده نمود.

۳- تعریف و انواع "مشاهده"

آقای رنه کیونینگ می‌نویسد که "رابطه ما با جهان به وسیله حواس پنجگانه به وجود
 می‌آید و ما با کمک آن حواس تجربیات خود را می‌اندوزیم. بدین معنا، مشاهده نوعی
 کسب تجربه از جهان است که از طرق ساده تا طرق علمی به وسیله جلا دادن و تیزکردن
 حساب شده ادراک و حواس انجام می‌گیرد" (Konig, 1967:1). به عبارت دیگر در
 روش مشاهده، شناخت از طریق حواس پنجگانه حاصل می‌شود. (البته به این تعریف
 انتقاداتی وارد است که در فصل ۷ به آن اشاره خواهد شد). این مشاهدات به طرق گوناگون

انجام می‌گیرند. مثلاً "ما اخیراً" (۱۳۶۸) مشاهده می‌کنیم که:

تعداد گدایان در شمال شهر تهران افزایش یافته است.

تعداد مغازه‌های طلافروشی بیشتر شده است.

تعداد قابل توجهی از خانمها یک نوع روسری خاص (گل به‌تای) به سر می‌کنند و حتی المقدور مارک، خارجی آنرا به نمایش می‌گذارند و موهای نیمه رنگ کرده (مش زده) خود را به طرف بالا می‌تابانند.

تعداد زیادی از خانمهای محجبه، چادرهای سیاه گلدار به سر می‌کنند و غیره... اینگونه مشاهدات هرچند که به قول آقای کیونیک به ذهن و حواس تیز و ادراک صیقل‌زده نیاز دارند، اما هنوز آنها را نمی‌توان به این صورت به عنوان یک مشاهده "علمی" تلقی نمود، مگر آنکه دارای شرایط خاصی باشند که به آنها اشاره خواهد شد.

روش مشاهده می‌تواند به تناسب موضوع و اقتضای شرایط به شیوه‌های گوناگون انجام

گیرد:

— مشاهدات سیستماتیک و مشاهده غیر سیستماتیک

— مشاهده با ساخت و بدون ساخت

— مشاهده آشکار و مشاهده پنهانی

— مشاهده غیر مشارکتی و مشاهده مشارکتی (مقایسه شود، Atteslander,

1975:146)

این شیوه‌ها را نیز می‌توان در همه ادغام نمود. مثلاً ما می‌توانیم تحت شرایطی

یک مشاهده سیستماتیک با ساخت به‌طور پنهانی و مشارکتی انجام دهیم.

• مشاهده غیر سیستماتیک و سیستماتیک. منظور از مشاهده غیر سیستماتیک آن است

که ما بدون هیچ برنامه و زمینه تئوریک مشاهداتی را انجام دهیم مانند مشاهده گدایان و طلافروشان و غیره. اما برای یک مشاهده سیستماتیک ما می‌بایست براساس یک برنامه مشخص پیش برویم (Scheuch, 1969: 210). بدین معنی که مانند هر تحقیق دیگر:

— ما یک مسئله داریم که

— در پی تبیین آن به دنبال تئوری‌های مناسب می‌گردیم و سپس

— براساس این تئوریه‌ها مسئله و محدوده آن را مشخص، تفکیک و ساختار آن را تعیین

می‌کنیم و

— از این طریق یعنی با مطالعه تئوریه‌ها و متغیرهایی که می‌توانند برای تحقیق خاص

ما مهم باشند، فرضیه‌های خود را به‌وجود می‌آوریم و پس از آن

— آنها را عملی (Operationalize) می‌کنیم، یعنی به معرفها و معیارهای قابل سنجش در عمل برمی‌گردانیم :

مثلا "اگر بخواهیم وضعیت اقتصادی کشور را بررسی نمائیم و ببینیم که آیا درآمدهای مردم کفاف نیازهای فزاینده^۴ مصرفی آنها را می‌دهد، تعداد گدایان می‌تواند به عنوان معرف نیازمندی و کمبود درآمد در کنار معرفهای دیگر نظیر سوءاستفاده (و یا به اصطلاح فساد اداری) قرار گیرد .

• مشاهده بدون ساخت و یا ساخت : مشاهده نیز مانند روش پرس و جو به صورت غیر استاندارد دیزه و استاندارد دیزه انجام می‌گیرد (مقایسه شود: رفیع پور ۱۳۶۰، کندوکاوها فصل ۷) .

مشاهده بدون ساخت (Unstructured) ، مانند مصاحبه^۴ غیر استاندارد دیزه معمولاً در تحقیقات مقدماتی به کار گرفته می‌شود و محقق به دنبال کسب اطلاعات کلی و بافتن معرفهای مناسب برای سنجش موضوع مورد مطالعه^۴ خود است . اما از آنجا که او هنوز با مسئله و جامعه^۴ مورد مطالعه^۴ آشنایی کافی ندارد ، موضوع خود را نیز هنوز به طور دقیق عملی (Operationalize) نکرده و به آخرین معرفهای قابل سنجش برنگردانده است و می‌خواهد با مشاهده^۴ بدون ساخت اطلاعات مقدماتی لازم را به دست آورد .

مشاهده^۴ با ساخت (Structured) فقط می‌تواند پس از یک تحقیقات مقدماتی که طی آن با روش مشاهده^۴ بدون ساخت ، اطلاعات لازم در مورد جامعه^۴ آماری به دست آمده است ، به کار گرفته شود . در مشاهده^۴ با ساخت ما دیگر به دنبال اطلاعات کلی نیستیم ، بلکه می‌خواهیم فرضیه‌ها ، متغیرها و معرفهای مشخص خود را بررسی کنیم و حتی المقدور آن را به صورت کمی بسنجیم ، لذا برای سنجش متغیرها و معرفهای مورد نظر می‌بایست طبقات مشاهده (Categories) مشخص شوند (مقایسه شود Atteslan, 1975:146) . چگونگی این روش در فصل بعد (مشاهده^۴ غیر مشارکتی) تشریح خواهد شد و از آنجا که حزییات روش مشاهده‌ها در دو نوع غیر مشارکتی و مشارکتی بررسی می‌گردند ، هریک از این انواع در یک فصل مجزا ارائه خواهند شد .

۴ — مشاهده^۴ غیر مشارکتی

روش مشاهده نسبت به مشارکت محقق در نحوه و رویه^۴ زندگی و شغل افراد مورد مطالعه به مشاهده^۴ مشارکتی و غیر مشارکتی تفکیک می‌شود . (هرچند که به قول آقای آتسلاندر در هر مشاهده‌ای محقق کم و بیش مشارکت دارد) . از آنجا که مشاهده^۴ مشارکتی

در بسیاری از موارد امکانپذیر نیست، یعنی محقق نمی‌تواند همانند افراد مورد مطالعه همان شغل، رویه زندگی و رفتار را داشته باشد، لذا در اینگونه موارد از روش غیر مشارکتی استفاده می‌شود.

۱-۴- طرز کار- و اما روش مشاهده غیر مشارکتی به چه صورت است؟

۱- مجددا تاکید می‌شود که در ابتدا مانند هر تحقیق دیگر ما به یک مسئله، یک چهارچوب تئوریک و فرضیه‌های منتج شده از آن نیاز داریم و این فرضیه‌ها می‌بایست به نوبه خود به متغیرها و معرفهای مورد بررسی برگردانیده شوند.

۲- همچنان که مادر روش پرس و جو فرضیه‌ها و متغیرهای مورد بررسی را به سئوالات برمی‌گردانیم و آنها را در یک پرسشنامه تنظیم می‌کنیم. در روش مشاهده به جای پرسشنامه به یک طرح مشاهده یا مشاهده نامه نیازمندیم.

۳- در این مشاهده نامه ما اقلام مشاهده (Items) را آماده می‌کنیم. یعنی مشخص می‌کنیم که چه چیزها و چه مسایل و رویدادهایی را می‌خواهیم مشاهده کنیم.

۴- هر "قلم" مشاهده را به طبقات مشاهده (Categories) تقسیم می‌کنیم، یعنی مشخص می‌کنیم که در مورد یک قلم مشاهده، می‌خواهیم به چه چیزهایی توجه کنیم و آنها را در چه طبقه‌ای یادداشت کنیم.

۵- آخرین و جزئی‌ترین مرحله و نکته مورد مشاهده درباره رفتار را "واحد مشاهده" می‌نامند. (مقایسه شود Friedrichs, 1973: 275-276). جزئیات این مرحله ذیلا

تشریح می‌گردد:

مثال ۳:

هنگام بررسی نیازهای روستاییان یزدی، مؤلف در چهارچوب تئوریک خود، نیازها را تابع وضعیت اقتصادی، آگاهی، ارزشها و برخی از متغیرهای دیگر در نظر گرفته بود (مقایسه شود: رفیع پور ۱۳۶۴ ص ۹۴). به منظور بررسی وضعیت اقتصادی روستاییان از یک جانب سئوالاتی در قالب پرسشنامه از آنها پرسیده شده از جانب دیگر در پایان پرسشنامه، در برگه مشاهده از پرسشگران خواسته شده بود که مشاهدات خود را در زمینه‌های زیر براساس یک طیف ارزشیابی بنویسند: نوع و کیفیت لباس پاسخگویان، مصالح ساختمان منزل، اندازه زیربنا، تسهیلات منزل، تعداد نوع، بافت و اندازه

قالیها و دیگر وسایل منزل ... سپس مؤلف و همکارانش قیمت تقریبی هریک از وسائل منزل هر پاسخگو را در نظر گرفته و از این طریق ارزش کل وسایل منزل هر پاسخگو را به تومان محاسبه نمودند و بدین ترتیب در سطح سنجش مقیاس نسبی، ارزش وسایل منزل پاسخگویان (به عنوان یک معرف از وضعیت اقتصادی) به دست آمد.

در این مثال می توان هریک از وسایل منزل را به عنوان یک واحد مشاهده و کلیه وسایل منزل را به عنوان یک طبقه مشاهده و وضعیت اقتصادی را به عنوان یک قلم مشاهده در نظر گرفت.

۲-۴ روش تحلیل کنش متقابل - بیلز (Interaction Process Analysis) یکی از مهمترین روشهای مشاهده غیر مشارکتی، روشی است که آقای بیلز (Bales) استاد دانشگاه هاروارد امریکا در دهه ۱۹۵۰ به کار برد. این روش از آن پس همواره از سوی محققان دیگر در زمینه های مشابه مورد استفاده قرار گرفت؛ هدف آقای بیلز بررسی کنشهای متقابل گروههای کوچک بود، او منظورش از کنشهای متقابل اجتماعی: "گفت و شنود با رفتاری که طی آن دو یا چند شخص مستقیماً با یکدیگر ارتباط برقرار کنند" است.

محل تحقیق: به منظور بررسی این مسئله او یک لابراتوار درست کرده بود که از طرف بیرون (یعنی از جایی که محقق و همکارانش بخواهند افراد را مطالعه کنند) توسط شیشه ای قابل رویت بود. اما همان شیشه از داخل به صورت آئینه بود. به طوری که افراد مورد مطالعه نمی توانستند محقق و دیگر مشاهده گران را ببینند. همچنین در داخل این محوطه میکروفونهایی تعبیه شده بود، که صدای افراد مورد مطالعه را به بیرون منعکس می کردند. لذا محقق و دیگر مشاهده گران می توانستند همه حرکات را ببینند و همه گفت و شنودها را بشنوند.

چهارچوب تئوریک: هسته اصلی تحقیق آقای بیلز در واقع آن بود که رفتار افراد مورد مطالعه را طبقه بندی کند و جریان رفتارهای متقابل در گروه و عواملی که بر روی این جریان تاثیر می گذارند بشناسد؛

به بدین منظور او ۱۲ طبقه (Category) از رفتارهای ممکن را در نظر گرفته بود و

از مشاهده‌گر می‌خواست که رفتار هریک از اعضای گروه را نسبت به دیگری در یکی از طبقات طبقه‌بندی نمایند .

- هریک از طبقات با مثالهای دقیق مشخص شده بودند .
- به طوری که در مشاهده نامه ضمیمه ملاحظه می‌شود ، ترتیب طبقات براساس یک ترتیب منطقی است و نه اتفاقی . (خواننده تفاوت این ترتیب را با ترتیب گویه‌ها در طیف لیکرت در نظر بگیرد) .
- فرض بر آن است که هر رفتار از سوی هر یک از اعضای گروه را بتوان در یکی از این طبقات طبقه‌بندی نمود .
- تمام طبقات به صورت مثبت جمله‌بندی شده‌اند .
- هر رفتار فقط در یک طبقه ، طبقه‌بندی می‌شود .
- برگه^۶ مشاهده یا مشاهده‌نامه و طبقات مشاهده به شکل جدول زیر تنظیم شده‌اند :

جدول ۱ : مشاهده‌نامه آقای بیلز (Bales, 1966:154)

رفتار	طبقات مشاهده
A- زمینه اجتماعی- احساسی عکس‌العمل‌های مثبت	۱ - همراهی و دوستی نشان می‌دهد ; دیگران را تقویت می‌کند ، کمک می‌کند ، تشویق می‌کند . ۲ - فضای باز رفتاری : شوخی می‌کند ، می‌خندد ، رضایت از خود نشان می‌دهد . ۳ - تایید می‌کند : منفعلانه می‌پذیرد ، می‌فهمد ، توافق می‌کند ، از خود گذشتگی نشان می‌دهد .
B- زمینه وظایف : کوشش در جهت پاسخ	۴ - پیشنهادات مختلف می‌کند : راهنمایی می‌کند و در عین حال استقلال دیگران را حفظ می‌کند . ۵ - اظهار نظر می‌کند : ارزشیابی و تحلیل می‌کند و آرزوهای خود را بیان می‌کند . ۶ - آگاهی می‌دهد : اطلاع می‌دهد ، تکرار می‌کند ، توجیه می‌کند ، تایید می‌کند .

<p>۷- کسب اطلاع می‌کند: تکرار می‌کند، تایید می‌کند.</p> <p>۸- نظرات دیگران را می‌پرسد: ارزشیابی، تحلیل، بیان احساسات</p> <p>۹- تقاضای پیشنهاد می‌کند: تقاضای راهنمایی و طرز کار می‌کند.</p>	<p>C- زمینه وظایف: پرسشها</p>
<p>۱۰- تایید نمی‌کند: منفعلانه نمی‌کند، ایراد درباره شکل کار می‌گیرد، کمک نمی‌کند.</p> <p>۱۱- فضای گشایش و درگیری به وجود می‌آورد: تقاضای کمک می‌کند خودش را عقب می‌کشد.</p> <p>۱۲- خصومت نشان می‌دهد: دیگران را تحقیر می‌کند، از خود دفاع می‌کند. خود را جلو می‌اندازد.</p>	<p>D- زمینه اجتماعی- احساسی عکس‌العملهای منفی</p>

به طوری که ملاحظه می‌شود، بیلز تقریباً تمام عکس‌العملهای ممکن از سوی افراد در یک گروه را در این طبقات به شکل جالبی در نظر گرفته است و مطالعه آن گذشته از آموختن روش مشاهده، از نظر طرز رفتار انسانها در رابطه با یکدیگر نیز جالب و آموزنده است. در قسمت راست مشاهده نامه در قسمت A، B، C و D محل هر طبقه در چهارچوب تئوریک مشخص شده است و نشان می‌دهد که هریک از طبقات در واقع چه مفهوم تئوریک را می‌خواهند بسنجند. این مفاهیم از دو قسمت تشکیل شده‌اند: ۱- زمینه اجتماعی-احساسی (A و D) و ۲- زمینه وظایف (B و C). اگر به این طبقات خوب دقت کنیم، خواهیم دید که در واقع طبقه ۱ و ۱۲ هر دو یک مفهوم را می‌سنجند، یعنی دوستی، وحدت و همبستگی (= طبقه ۱) و عکس آن یعنی خصومت (= طبقه ۱۲) همچنین بقیه طبقات نیز هر کدام به طور زوجی یک مفهوم را می‌سنجند که ذیلاً نشان داده می‌شود:

طبقات ۶ و ۷: مسئله آگاهی دادن

طبقات ۵ و ۸: مسئله ارزشیابی

طبقات ۴ و ۹: مسئله کنترل

طبقات ۳ و ۱۰: مسئله تصمیم‌گیری

طبقات ۲ و ۱۱: مسئله حل مسایل و درگیری

طرز مشاهده:

- مشاهده‌گر رفتار افراد را مطالعه و صحبت‌های آنها را می‌شنود.
- هنگامی که مشاهده‌گر یک رفتار را تشخیص دهد آن رفتار را در طبقه مورد نظر

- یادداشت می‌کند، آن‌هم با دو عدد، با عدد اول آن شخصی را که صحبت می‌کند و با عدد دوم شخص مخاطب را مشخص می‌سازد.
- مثلاً "فرض کنیم که اشخاص ۱ و ۲ با هم صحبت می‌کنند.
 - شخص ۱ می‌گوید: "ساعت چند است؟"
 - مشاهده‌گر متوجه می‌شود که صحبت در واقع بیک نوع کسب اطلاع است و لذا در طبقه ۷ جای می‌گیرد، بنابراین در طبقه ۷ در محل خالی آن می‌نویسد: ۱-۲ (یعنی شخص ۱ با شخص ۲ یک ارتباط برای کسب اطلاع برقرار می‌کند).
 - شخص ۲ در پاسخ می‌گوید: "ساعت من ۱۲ است"
 - بنابراین مشاهده‌گر در طبقه ۶ می‌نویسد: ۱-۲
 - سپس شخص ۱ می‌گوید: "خیلی متشکرم"
 - مشاهده‌گر در طبقه ۱ می‌نویسد: ۱-۲
 - بدین ترتیب مشاهده‌گر هرگونه رفتار را تا پایان مشاهده ثبت می‌کند.
 - به‌منظور ثبت دقیق‌تر و در نظر گرفتن زمان می‌توان مشاهدات را بر روی کاغذهای لوله شده که به دور یک محور در حال چرخشند نوشت.
 - گاه ممکن است یکی از افراد مورد مشاهده بیشتر از این صحبت‌کند، مثلاً "بگوید: ساعت من دقیقاً ۱۲ است، اما ساعت من این‌واخر گاهی می‌خوابیده است، لذا من نمی‌دانم که آیا ساعت من دقیق باشد."
 - مشاهده‌گر این صحبت را در ۳ "واحد" تجزیه می‌کند و می‌نویسد، زیرا در واقع در اینجا سه نوع اطلاع متفاوت بیان شده است.
- به‌طوری که از مثال آقای بیلز مشخص می‌شود:
- طبقات مشاهده باید برای مشاهده‌گر قابل فهم باشند و مشاهده‌گران مختلف، همواره بتوانند هر رفتار را بدون شک و تردید در یک طبقه وارد کنند.
 - تعداد طبقات نباید زیاد باشد (برای هر قلم مشاهده حداکثر ۱۰ طبقه کافی است)

استخراج: استخراج مشاهده نامه‌ها به این صورت است که باید دید در هر طبقه چند بار اعداد (مثلاً) ۱-۲ و یا ۸-۳ (در صورتی که نفر سوم یا نفر هشتم صحبت کرده باشد) نوشته شده است. مثلاً "ممکن است از تعداد کل مشاهدات (= ۲۳۰۰۰) فقط ۲۴۶ مشاهده در طبقه اول یعنی همبستگی و وحدت وارد شده باشد. لذا درصد مشاهدات در طبقه وحدت و همبستگی در حدود ۱ درصد می‌شود. حال باید دید که این درصد در یک

محدوده قابل قبولی قرار می‌گیرد یا نه. بدین منظور آقای بیلز از روش تعیین محدوده اطمینان بی‌نومینال به پیروی از اسنдекر (Snedecor) استفاده می‌کند (مقایسه شود Bales, 1966: 161-162) جدول زیر نتیجه استخراج مشاهدات بیلز را نشان می‌دهد

جدول ۲: نتایج استخراج تحقیقات بیلز (Bales, 1966: 162)

طبقات	تعداد مشاهدات ثبت شده		محدوده قابل قبول برای آزمایش	
	مطلق	درصد	محدوده پایین	محدوده بالا
۱	۲۴۶	۱۰۰	۵۰۰	۵۰۰
۲	۱۶۷۵	۷۰۳	۳۰۰	۱۴۰۰
۳	۲۷۹۸	۱۲۰۲	۶۰۰	۲۵۰۰
۴	۱۱۸۷	۵۰۲	۲۰۰	۱۱۰۰
۵	۶۸۹۷	۳۰۰۰	۲۱۰۰	۴۵۰۰
۶	۴۸۸۱	۲۱۰۲	۱۴۰۰	۳۵۰۰
۷	۱۲۲۹	۵۰۴	۲۰۰	۱۱۰۰
۸	۸۰۹	۳۰۵	۱۰۰	۹۰۰
۹	۱۷۲	۰۰۸	۵۰۰	۵۰۰
۱۰	۱۵۰۹	۶۰۶	۳۰۰	۱۳۰۰
۱۱	۱۰۰۹	۴۰۴	۱۰۰	۱۰۰۰
۱۲	۵۵۸	۲۰۴	۵۰۰	۷۰۰

روش مشاهده غیر مشارکتی بیلز چنانکه گفته شد در لابراتوار و یا در یک محیط بسته مانند کلاس و یا جلسات مشابه انجام می‌گیرد. اما روش مشاهده غیر مشارکتی را در محیط‌های عملی یا به اصطلاح "میدان" نیز می‌توان به کار گرفت. مثلاً "مشاهده" وضعیت کشاورزان، رفتار پلیس در کلانتریها یا کارگراها در کارخانه و غیره.

۳-۴ نمونه‌گیری

در مشاهدات غیر مشارکتی ممکن است مشاهده‌گر گاه نتواند تمام رویدادها را ثبت

نماید، خصوصا" وقتی که سرعت رویدادها فوق‌العاده سریع باشد و یا آنکه رویدادها در ۲ یا چند مکان انجام گیرند که مشاهده‌گرا مکان حضور در تمام این مکانها را نداشته باشد. در اینگونه مواقع می‌توان از رویدادها به دو گونه نمونه‌گیری نمود:

- ۱ - نمونه‌گیری زمانی، به طوری که مشاهده‌گر رفتاری را که فرضا "در طول یک ساعت انجام می‌گیرد، در مقطعی خاص مثلا" (پس از هر یک ربع فقط ۵ دقیقه) مشاهده کند.
- ۲ - نمونه‌گیری مکانی، که طی آن مشاهده‌گر از مکانهای مختلف، براساس ضوابط تحقیق (یعنی آن‌طور که تحقیق اقتضا می‌کند) و براساس ضوابط نمونه‌گیری، مکانهایی را انتخاب می‌نماید. مثلا" اگر بخواهد رفتار مردم را در نمایشگاه بین‌المللی تهران مشاهده کند، می‌تواند چند غرفه مهم (مثلا" یک غرفه اروپائی و یک آسیایی...) و یا آنکه از بین تعداد کل غرفه‌ها چند غرفه را براساس روش نمونه‌گیری انتخاب کند (مقایسه شود: Scheuch, 1969: 211).

۵- مشاهده مشارکتی

همانطور که از عنوان این روش برمی‌آید، مشاهده‌گر در جریان رویدادهای اجتماعی مورد مطالعه شخصا" مشارکت دارد (Mayntz, et al, 1972: 100). به عبارت دیگر برای تحقیق در یک گروه اجتماعی، مشاهده‌گر خود در آن گروه نقشی به‌عهده خواهد داشت و از جانب اعضاء گروه به‌عنوان عضو یا چیزی از گروه دیده می‌شود. بنابراین مشاهده‌گر در این روش دو نقش را به‌عهده دارد، یکی به‌عنوان محقق و دیگری به‌عنوان عضو گروه.

هدف از این روش آن است که محقق یک گروه را نه به‌صورت مصنوعی در یک لابراتوار، بلکه در یک محیط واقعی و طبیعی مطالعه نماید و بتواند جزئیات رفتار و شیوه زندگی گروه مورد نظر را از نزدیک مطالعه و آن را به‌صورت عملی لمس و خوب درک کند (Kluckhohn, 1966: 97 و Atteslander, 1975: 152). این روش همان‌طور که در آغاز نیز اشاره شد، عموما" برای مطالعه موضوعاتی به‌کار گرفته می‌شود که اطلاعات قبلی در آن باره بسیار کم است و از طرف دیگر هم نمی‌توان اطلاعات لازم را به نحو بهتری کسب نمود. مثلا" در مورد سرزمینها و فرهنگهای دیگر (در زمینه مردم شناسی) و یا گروههای ناشناخته (مثلا" گروههای زبهرزمینی).

همانند روش مشاهده غیر مشارکتی، روش مشاهده مشارکتی نیز می‌تواند به‌صورت آشکار و یا پنهان باشد یعنی مشاهده‌گر می‌تواند به اعضای گروه آشکارا بگوید که می‌خواهد درباره آن گروه تحقیق کند و یا اینکه هدف خود را از آنها پنهان سازد، مثلا" اگر یک

محقق خارجی بخواهد در مورد ایل شاهسون تحقیق و حدود یک سال با این ایل زندگی کند، می‌تواند هدف خود را برای اعضای این ایل آشکارا بیان نماید و عموماً "نیز مانعی در راه تحقیق او به‌وجود نخواهد آمد، مشروط بر آنکه اعضای گروه محقق را به‌عنوان جزئی از گروه بپذیرند. اما وقتی یک محقق بخواهد در مورد طرز کار یک گروه گانگستری و یا ارتش تحقیق کند، عموماً "برای کسب اطلاعات، لازم به‌نظر می‌رسد که هویت و نقش خود را به‌عنوان محقق پنهان سازد. مثلاً آقای تراشر (Thrasher) برای تحقیق درباره رفتار گانگسترها، خود شخصاً عضو یک باند گانگستری شهر شیکاگو شد و این نقش را پنهان ساخت (مقایسه شود Scheuch, 1969: 210).

از این نکات چند مسئله قابل اشتقاق است:

۱- در یک مشاهده مشارکتی آشکار نیز ممکن است محقق تمام اهداف خود را برای گروه مورد مطالعه بیان نکند و نگوید که این اطلاعات نهایتاً "برای چه‌اهدافی به‌کارگرفته خواهند شد.

۲- در این صورت همانند مشاهده پنهانی، محقق از نظر اخلاقی، شیوه غیر قابل‌قبولی را در پیش می‌گیرد، مگر آنکه اولاً "هدف از تحقیق صرفاً" بهبود یک وضع موجود باشد و ثانیاً راجع به تک‌تک افراد، اطلاعاتی در اختیار شخص دیگری نگذارد.

۳- وقتی اعضای یک گروه بدانند که محقق روی آنها مطالعه می‌کند، رفتارشان از حالت کاملاً "طبیعی خارج خواهد شد (مقایسه شود Pinther, 1975: 503).

مشکلات اساسی در راه به‌کارگیری مشاهده مشارکتی در یک گروه، در ابتدا دوچیزند:

۱- ورود به گروه مورد مطالعه: یعنی اعضای گروه باید اجازه دهند که محقق وارد حوزه عملیاتی زندگی آنها شود. مثلاً "چگونه یک محقق می‌تواند وارد یک گروه گانگستری شود، تا درباره آنها تحقیق نماید. مثلاً "وقتی یکی از فارغ‌التحصیلان جامعه‌شناسی که خود عضو سپاه پاسداران بود و به دفعات در مناطق جنگی حضور داشت، می‌خواست آشکارا درباره یک مسئله مربوط به سپاه تحقیق کند، به او اجازه تحقیق ندادند. البته آن‌گونه افرادی که باروش پنهانی درباره سپاه و ارتش تحقیق می‌کنند، مانع کمتری دارند. (در مورد مسئله ورود به گروه مقایسه شود Friedrichs, 1973: 289).

۲- مسئله دیگر آن است که باید در گروه مورد مطالعه یک نقش خالی و یا جای خالی وجود داشته باشد که محقق بتواند آن نقش را ایفاء کند و هنگام ایفای آن نقش، مشاهدات خود را انجام دهد. مثلاً "به قول خانم مانیتس: "برای مشاهده رفتار یک وزیر، محقق باید حداقل منشی آن وزیر شود". (Mayntz, et al, 1972: 101).

بنابراین مشاهده‌گران (و حامیان آنان) برای جای گرفتن در یک گروه یا سازمان کوشش خواهند نمود که :

اولاً " در آن سازمان یا گروه یک نقش خالی ببینند و یا حتی یک نقش جدید به وجود آورند که در آن نقش، مشاهده‌گر بتواند مشاهدات خود را انجام دهد .
ثانیاً " مدارک و ضوابط زیاد در مهم جلوه دادن مشاهده‌گر و مناسب بودن او برای ایفای آن نقش ارائه نمایند . لذا مشاهده‌گر باید نقشهای محوله را به نحو احسن انجام دهد ، مثلاً " برای ورود به یک گروه گانگستری باید به نحو جدی در برنامه‌های دزدی مشارکت نماید و وظایف و نقشهای محوله را به نحو احسن انجام دهد .

مثال ۴ :

هنگامی که پلیس آلمان غربی در اوایل دهه ۱۹۸۰ (؟) دونفر دزد را دستگیر نمود ، پس از تعیین هویت معلوم شد که یکی از آنها جامعه‌شناس و دیگری روانشناس بودند که برای مطالعه گروه دزدها عضو آن گروه شده بودند . همچنین مثلاً " برای دستیابی به پستهای کلیدی در سپاه پاسداران ، باید شخص مورد نظر در جنگ شرکت کرده باشد .

۱ - ۵ طرز کار

طرز کار در مشاهده مشارکتی ، با مشاهده غیر مشارکتی چندان تفاوتی ندارد یعنی محقق مانند روش غیر مشارکتی دارای مشاهده‌نامه است که براساس یک چهارچوب تئوریک و فرضیات و متغیرهای مشتق شده از آن ، طرح‌ریزی شده است . این مشاهده‌نامه می‌تواند دقیقاً مانند مشاهده‌نامه آقای بیلز و یا به صورت دیگری باشد .

مثال ۵ :

آقای آلبرت رایس (Reiss, Jr.) در تحقیقاتی که با روش مشاهده مشارکتی درباره پلیس انجام داده بود روش زیر را به کار برد . او روش مشاهده را براساس همان روش پرس و جو تنظیم کرده و طی آن در مشاهده‌نامه از مشاهده‌گر ، سئوالاتی درباره محل و افراد مورد

مشاهده به عمل آورده بود و مشاهده‌گر می‌بایست برای پاسخ به این سئوالات در محل مورد مطالعه مشاهده نماید و مشاهدات خود را به صورت پاسخ در جواب آن سئوالات بنویسد. قسمتی از مشاهده‌نامه او به شکل زیر است:

سؤال ۳۲- آیا پلیس یک بررسی و تعقیب درباره شخص یا اموالی را شروع کرده بود؟

(۱) بلی (الف - ۳۲) (۲) نه (ب - ۳۳)

الف - ۳۲ - چه نوع بررسی را شروع کرده بود؟

(۱) مسئله شخصی (تفتیش) (ب - ۳۲)

(۲) مالی (مثلاً "اتومبیل یا منزل") (ج - ۳۲)

(۳) هر دو (ب - ۳۲)

ب - ۳۲ - اگر "شخصی":

۱ - ب - ۳۲ - آیا به‌نظر مشاهده‌گر این تفتیش برای محافظت

افسر پلیس از خودش لازم بود؟

(۱) بلی (۲) نه (۹) نمی‌دانم

۲ - ب - ۳۲ - آیا پلیس قبل از این تفتیش از متهم اجازه گرفته بود؟

(۱) بلی (۲) نه (۹) نمی‌دانم

۳ - ب - ۳۲ - آیا متهم با مورد تفتیش قرار گرفتن خود مقابله نمود؟

۴ - ب - ۳۲ - آیا اسلحه یا مدرک دیگری پیدا شد؟

(۱) اسلحه گرم (۲) چاقو (۳) ...

به‌طوری که ملاحظه می‌شود مشاهده‌نامه آقای رایس دقیقاً "مانند یک پرسشنامه تنظیم شده است، با این تفاوت که سئوالات از مشاهده‌گر (و نه از پاسخگویان) به‌عمل می‌آید و او را وامی‌دارد تا مسایل خاصی را مشاهده نماید. (مقایسه شود: Reiss, Jr., 1971: 11-1.2). لازم به تذکر است که مشاهده‌نامه مذکور یک مشاهده‌نامه با ساخت و استاندارد دیزه است.

فریدریش نیز برای مشاهده‌گر یک دارالتادیب، مشاهده‌نامه‌ای تهیه کرده بود که در

آن از مشاهده‌گر گاه سئوالات کاملی به‌عمل آمده بود مانند:

سؤال ۹ - آیا آقای A چشمش به آقای B افتاد؟ (و یا زیر چشمی همدیگر را زیر نظر داشتند؟)

(انواع پاسخها :)

.. مشاهده نشد

.. نه (= دقیقه)

- پلی - در نیمی از مدت مشاهده (= دقیقه)

.. پلی .. در تمام مدت مشاهده (= دقیقه)

در همان مشاهده نامه نیز گاه مانند مشاهده نامه آقای بیلز سؤال فقط به صورت ذکر رؤوس مطالب آمده بود، مثلا :

سؤال ۱۱ - تعداد دعواها :

(انواع پاسخها :)

. . . . مشاهده نشد

. . . . تعداد دعواها (مقایسه شود Friedrichs, 1973: 299)

مشاهده می تواند همچنین جزئی ترین مسائل را مورد مطالعه قرار دهد. مثلا "

سؤال	پاسخها
تماس چشمی	چشم در چشم چشم به صورت و سر چشم به بدن
بوی بدن	مخلوط (عطر و عرق) کاملا مشخص بوی نفس (سیگار)

۶- حاشیه (Excuse) : روش بدون عکس العمل

یکی از روشهایی که از اواسط دهه ۱۹۶۰ در تحقیقات علوم اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، روش بدون عکس العمل (nonreactive) یا بدون مزاحمت (unobtrusive) است، که گرچه عملاً "از قدیم الایام در بخشهایی نظیر کارهای پلیسی به کار گرفته می شده است، اما با چاپ کتاب آقای وب و همکارانش (Webb, et al. 1966) به طور کم و بیش رسمی به عنوان یک تکنیک تحقیق مطرح می گردد. اما این تکنیک در واقع نوع و جزئی از روش مشاهده است و لذا در قالب این روش در اینجا تشریح می گردد. این تکنیک مجموعه ای از طرق ممکن کسب اطلاع را در برمی گیرد که طی آن محقق با افراد (حداقل به طور مستقیم) تماس یا گفت و گو ندارد. اساس این تکنیک بر آن است که افراد جامعه به صورت فردی یا جمعی از فضا یا محوطه هایی استفاده می کنند و در حیطه زندگی و کار خود بازتابها و آثاری باقی می گذارند که از روی آن اثرها می توان به طور غیر مستقیم به برخی از واقعیتها پی برد. یا به عبارت دیگر از این آثار به عنوان معرف برای برخی از متغیرها استفاده نمود. مثلا "به منظور بررسی مصرف مشروبات الکلی،

گاه نه می‌توان از پاسخگو سؤال کرد و نه امکان مشاهده او هنگام نوشیدن مشروبات الکلی وجود دارد. یکی از راههای بررسی این مسئله آن است که سطل زباله شخص مورد نظر را در بی یافتن آثاری نظیر بطری مشروب و ارسی نمود. (اما باید دانست که تنها با یافتن یک بطری ویسکی نمی‌توان یک شخص را متهم به نوشیدن ویسکی نمود. زیرا چه بسا که در آن بطری آب لیمو ریخته باشند.) به همین طریق می‌توان با توجه به اندازه ساختمان و وسایل منزل به وضعیت اقتصادی پی برد. و یا به منظور بررسی نظم یک دختر یا پسر، خواستگار می‌تواند، چمدان، کمد لباس یا جزوه‌های درسی او را نگاه کند.

روشن فوق می‌تواند در مقیاسهای وسیع نیز به کار آید. افزایش تعداد گدایان، میزان دزدی، طلا فروشیها... نشانه‌های زوال اجتماعی - اقتصادی است. گدایی و دزدی هر دو معرف آنند که درآمد بعضی از اعضای جامعه بسیار پایین‌تر از سطح نیازهای آنهاست و وجود خانه‌ها و ماشین‌های مجلل (که مسئولین نیز به آن معتاد شده‌اند)، مدارس و بیمارستانهای خصوصی... بیانگر نابرابریهای شدید اجتماعی‌اند که گدایی و دزدی و انحرافات نظیر آن از آن نابرابری سرچشمه می‌گیرد.

۷- بحث و انتقاد

روشن مشاهده با مسایل و نقایص متعددی همراه است که ذیلا" به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱- ۷- ادراک نادرست - از تعریف مشاهده برومی‌آید که ما شناخت را از طریق حواس پنجگانه خود برداشت و ادراک می‌کنیم. اما این تعریف دارای یک نقص عمده است، زیرا چنان‌که پوپر متذکر شده است: ادراک خالص اصلا" وجود ندارد و شناخت مامحصولی است از ادراک و چیزهایی که ما از تخیل خود به آن اضافه می‌کنیم (Popper, 1972: 43) از این مطلب دو نتیجه گرفته می‌شود:

اولا" ما از محیط بیرونی خود همه واقعیتهای را نمی‌توانیم مشاهده کنیم، بلکه فقط آن واقعیتهایی برای ما قابل مشاهده‌اند که ادراک محدود و حواس پنجگانه و در واقع ضعیف ما اجازه نمی‌دهند:

مثال ۶:

ضعف حواس پنجگانه ما وقتی مشخص‌تر می‌شود که ما انسان را با حیوانات دیگر مقایسه کنیم مثلا"

- قدرت بویایی سگ بسیار قویتر از انسان است (سگها از فاصله یک کیلومتری بوی سگ ماده را می بویند
- قدرت بینایی پرندگان بسیار بیشتر از انسان است (پرندگان با عضله شانه‌ای پشت عدسی چشمانشان قادرند با تطبیق (Acc-umudation) زیاد ، اجسام را از فاصله دور تشخیص دهند) ،
- قدرت شنوایی دلفین‌ها نیز به مراتب بیشتر از انسان است و آنها از فاصله بسیار زیاد زیر آب کوچکترین امواج صوتی را می شنوند .

بنابراین ما نمی‌توانیم بسیاری از پدیده‌ها را با حواس پنجگانه ضعیف خود ادراک نماییم و از طرف دیگر احتمالاً " واقعیت‌هایی نیز وجود دارند که حواس پنجگانه - هرچند هم که به وسیله ابزاری تقویت شوند - قابل ادراک نیستند .

دو سر انگشت بر دو چشم نه هیچ بینی از جهان انصاف ده
 گرنبینی این جهان معدوم نیست عیب جز زانگشت نفس شوم نیست (مولوی)
 ثانیاً " ما به هر آنچه که با حواس پنجگانه خود مشاهده می‌نماییم ، چیزهایی نیز اضافه و کم می‌کنیم :

مثال ۷:

وقتی در زمستان سال ۱۳۴۹ برای تحقیقاتی به کردستان رفته بودم ، در بین راه گروهی از مردمان کرد را دیدم که به‌طور دسته جمعی و شادمانه ، مشغول رقص مشهور و زیبای کردی بودند و با ریتم‌های منظم و حرکات منسجم و پراحساس دستمال‌های خود را به رسم آن رقص به حرکت در می‌آوردند . من نیز به رسم یادگاری با دوربین خود از آنها عکسی گرفتم . در این هنگام وقتی آن مردمان مرا دیدند ، یکی از آنها اسکناس درشتی را از جیبش بیرون آورد و به‌سوی من نشان داد . من که تا این لحظه مجذوب این شادمانی سنتی اصیل شده بودم ، از این حرکت آن مسرد ، متاثر شدم و به راننده جیب گفتم : " حیف که این مردم آزاده و اصیل نیز پول‌چو شده‌اند " . راننده که خود کرد و مردی با سن و سال و بسیار فروتن و فهمیده بود با لبخندی محبت‌آمیز اما پر معنی گفت : " نه خیر ، این رسم ماست ، ما به یک میهمان این‌طور خوش آمد می‌گوییم که

مهمترین چیزی را که داریم به او نشان می‌دهیم و این به معنای آن است که ما مهمترین چیز خود را فدای میهمان پراچ می‌کنیم."

این مثال نشان می‌دهد که ما یک واقعیتی را که مشاهده می‌نماییم در غالب تفکرات و تخیلات خود تعبیر و تفسیر و لذاگاه به‌طور اشتباه ادراک می‌کنیم. بنابراین یک واقعیت ممکن است از سوی مشاهده‌گران مختلف به گونه‌های متفاوت ادراک شود. آزمایش آقای لیپر (Jeeper, 1935) این مسئله را به‌خوبی نشان می‌دهد. در این آزمایش تصویر یک زن به دانشجویان نشان داده شد و عده‌ای آن را یک زن پیر و عده‌ای آن را یک زن جوان می‌دیدند (نگاه کنید به تصویر a). جالب آن است که در بین دانشجویان امریکایی (و همچنین آلمانی) این تصویر (a) از جانب حدوداً ۶۰ درصد به عنوان یک زن جوان (b) و از جانب ۴۰ درصد به عنوان یک زن پیر (تصویر c) تعبیر می‌شود (Krech/Cru— tchfield, 1974:97). اما وقتی من در کلاسهایم (در ایران) این تصویر را به دانشجویان ایرانی نشان دادم، دانشجویان عموماً " در این تصویر یک زن پیر را می‌دیدند، زیرا تجربیات قبلی آنها بر روی این ادراک تاثیر می‌گذارد و از آنجا که در فرهنگ ایرانی، ما خانمهای مسن را با روسری و عموماً " بینی بزرگ در خاطر داریم، این تداعی راحت‌تر انجام می‌گیرد، برای اثبات همین قضیه که تجربیات و گرایشهای افراد روی ادراک آنها تاثیر می‌گذارد، آقای لیپر همین آزمایش را به گونه‌ای دیگر تکرار نمود. او این بار قبل از آنکه به دانشجویان تصویری نشان دهد اول آنها را به دو گروه تقسیم کرد و سپس



به‌طور جداگانه به گروه اول ابتدا تصویر زن جوان (b) را نشان داد و به گروه دوم ابتدا تصویر زن پیر (c) را . سپس هر دو گروه را با هم در محل آزمایش آورد و به همه آنها تصویر (a) را نشان داد و از آنها خواست که بگویند در آن تصویر چه می‌بینند . جالب آن بود که گروه اول همگی در تصویر (a) زن جوان را تشخیص دادند و ۹۵ درصد از گروه دوم در همان تصویر (a) زن پیر را می‌دیدند (Krech/Grutchfield, 1974:97) . وقتی من در سال ۱۳۶۸ همین آزمایش را با ۴۰ دانشجوی ایرانی (۲۱ دختر و ۱۹ پسر) انجام دادم ، از ۲۰ نفر گروه اول قبلاً "عکس زن جوان (b) را دیده بودند ، ۱۵ نفر (= ۷۵ درصد) در تصویر (a) نیز زن جوان را تشخیص دادند و از گروه دوم که قبلاً "عکس زن پیر (c) را دیده بودند ، ۱۸ نفر (= ۹۰ درصد) در تصویر (a) هم زن پیر را دیدند . مشابه این آزمایش را ما در فیزیک دوره دبیرستان داشته‌ایم : وقتی دست راست خود را در آب سرد و دست چپ را در آب گرم و سپس هر دو دست را در آب ولرم قرار دهیم دست راست احساس گرمی و دست چپ احساس سردی خواهند داشت . این آزمایشها دو چیز را به اثبات می‌رسانند :

۱ - یک واقعیت (a) از جانب افراد مختلف به گونه‌های متفاوت ادراک و مشاهده می‌شود .
 ۲ - شرایط خاص جسمی (ضعف و قدرت) و زمینه‌های شخصیتی انسانها نظیر ارزشهای فرهنگی ، گرایشها و تجربیات آنها بر روی ادراک و مشاهدات آنها تاثیر می‌گذارد و انسانها از محیط بیرونی خود ، به‌طور برگزیده (Selective) یا فقط قسمتی از واقعیتها را ادراک و مشاهده می‌کنند و یا چیزی به آن اضافه می‌کنند آن‌هم آن مطالبی را که باز زمینه‌های شخصیتی و فرهنگی و حتی جسمی آنها سازگار است :

گفت استاد احوالی را کاندرا	رو برون آر از و شاق آن شیشه را
گفت احوال‌زان دو شیشه من کدام	بیش تو آرم بکن شرح تمام
گفت استاد آن دوشیشه نیست رو	احولی بگذار و افزون بین مشو
گفت ای استا مرا طعنه مزن	گفت استا ز آندو یک را در شکن
شیشه یک بود و به چشمش دو نمود	چون شکست او شیشه را دیگر نبود (مولوی)

بنابراین یک واقعیت اجتماعی از سوی یک محقق ثروتمند و یک محقق فقیر ، یک محقق خارجی و یک محقق ایرانی (حتی یک محقق ضعیف البینه و یک محقق ورزشکار) به گونه‌های متفاوت مشاهده و ادراک می‌شود . مثلاً در تحقیقات نیازسنجی روستاهای یزد (مقایسه شود : رفیع پور ۱۳۶۴) چنانکه قبلاً نیز گفته شد ، یکی از اهداف آن بود که پرسشگران کیفیت لباس هریک از پاسخگویان را براساس یک طیف پنج قسمتی از نو تا کهنه مشاهده و ارزیابی نمایند . در کنار چهار پرسشگری که با محقق همکاری می‌کردند ، محقق

خود نیز با پاسخگویان مصاحبه و در پایان برگه مشاهده را پر می نمود. نتیجه این بررسی نشان داد که محقق کیفیت لباس پاسخگویان را بدتر از چهار پرسشگر دیگر ارزیابی نمود، گرچه محقق بیشتر با پاسخگویان مطلع مصاحبه کرده بود که در عین حال دارای وضعیت اقتصادی بهتری بودند. نتیجه این بررسی که به طور فشرده در جدول زیر خلاصه شده است نشان می دهد که محققین با زمینه های مختلف، واقعیت های اجتماعی را به گونه های متفاوت مشاهده می کنند.

جدول ۳: ارزیابی کیفیت لباس پاسخگویان توسط محققین و پرسشگران (n= ۲۴۰)

طیف ارزیابی	محقق	پرسشگران	جمع
نو متوسط تانو	۱۱	۸۴	۹۵
	۱۵	۷۸	۹۳
متوسط تا کهنه کهنه	۱۹	۳۲	۵۱
	۱	۱	۱
مشاهده نامهربانند			
جمع	۴۵	۱۹۵	۲۴۰

سطح معنی داری: عدد کی دو x^2 برای اعدادی که زیر آنها خط کشیده شده است: $x^2 = 13/39$ و $p = 0/001$

- در رابطه با همین مسئله یعنی ادراک برگزیده، اشتباهات متعددی از سوی مشاهده گران روی می دهد و مشاهده گران عموماً بدان متمایلند که:
- مطالبی را مشاهده نمایند که در واقع به آن علاقمندند و یا مایلند مشاهده کنند
 - و آن مطالب را ناگهانه آن طور تعبیر کنند که مؤید تئوری و فرضیه های مورد بررسی آنها است (مقایسه شود: 139, 164, 1975: Atteslander).
 - گاه به مطالبی که در درون خود اصلاً معنی ندارند از بیرون (Exogen) معنی دلخواه خود را بدهند
 - و گاه مطالبی که دارای یک رابطه علی دیگری هستند بر اساس فرضیات دیگر تعبیر کنند (مانند مثال رقص کردها)
 - مطالبی را که بهتر می فهمند، بهتر جلوه دهند و مطالبی را که نمی فهمند حذف

نمایند .

این خطرها وقتی بیشتر می شود که محقق با محیط مورد مطالعه کمتر آشنایی دارد و در به کار بردن روش مشاهده تجربه کافی ندارد . لذا آشنایی با محیط مورد مطالعه ، احتیاط در ارزیابی ، دقت و موشکافی زیاد تست کردن ادراکها و تعبیرات خود با افراد مطلع و خصوصا " کوشش در بی غرض و بی نظر بودن (عاری بودن از ارزش) کمک می کند که نتایج مشاهده از اعتبار بیشتری برخوردار گردند .

۲-۷ تضاد و نقشها (Role Conflict)

نکته دیگری که در روش مشاهده (به شکل مشارکتی آن) ایجاد اشکال می کند آن است که محقق از یک جانب نقش یک عضو گروه را به عهده دارد و از جانب دیگر همچنین نقش یک محقق و مشاهده گر را . در این رابطه مهمترین انتقادی که در کتابها و مقالات به روش مشاهده مشارکتی می شود ، آن است که محقق در ایفای این دو نقش دچار تضاد و کشاکش می شود ؛ اگر به محقق بودنش توجه کند و بخواهد آن را دقیق انجام دهد ، نمی تواند به وظایف تعیین شده در گروه (مثلا " دزدی) خوب عمل کند و اگر وظایفی را که در گروه تعیین شده اند به طور جدی انجام دهد (مثلا " زندگی یک زن محقق با زنان روسپی و با کار کردن محقق به عنوان پلیس) خود را با نقش خود همانند (Identify) می کند و خود را بیشتر به عنوان عضو گروه می یابد و برای آن وظایف اهمیت بیشتری قایل خواهد شد .

گرچه این نکته (ایفای دو نقش) در روش مشاهده مسایلی را به وجود می آورد ، اما در مواقعی نیز مفید خواهد بود که محقق نقش عضویت گروه را جدی تلقی کند و خود را با آن همانند احساس نماید . مثلا " در تحقیقات مردم شناسانه وقتی محققین به کشورهای غریبه در جهان سوم می روند ، جدی گرفتن همکاری و زندگی با مردمان آن سرزمینها کمک می کند ، که محقق فرهنگ آن سرزمین و شیوه زندگی آن مردم را بهتر درک نماید . این نکته علاوه بر این باعث می شود که آن محقق بعدها در کشور خود برخورد انسانی تری با مسایل کشورهای جهان سوم داشته باشد و تاحدی مدافع منافع آنها باشد (مقایسه شود : Huizer, 1973:173 و Rafipcor, 1988:12) . اما علی الاصول به منظور کاهش این تضاد نقشها ، توصیه می شود که محقق در گروههای مورد مطالعه نقشهایی را به عهده گیرد که با روابط و کنشهای متقابل و انتظارات زیاد همراه نباشد (Friedrichs, 1973:296) و سعی کند حتی المقدور رفتاری منفعل (Passive) و خنثی (Neutral) داشته باشند (Mayntz, et al, 1972:99) . مثلا " آقای مظفر شریف استاد مشهور

روانشناسی اجتماعی در آمریکا، هنگام مطالعه دو گروه از جوانان که او آنها را با یکدیگر در رقابت قرار داده بود، خود نقش جاروکش را به عهده گرفته بود و این طور وانمود می کرد که گوش نمی شنود و از دنیای بی خبر است. (مقایسه شود: Hofstatter, 1955).

۳-۷ مشاهده محدود

نکته مهم دیگری که در روش مشاهده مورد انتقاد است، آن است که مشاهده فقط بخشهایی از روابط اجتماعی را مشاهده می کند (Attleslander, 1975: 140) مثلاً "روابط بسیار خصوصی یک زن و شوهر را نمی تواند مشاهده نماید و یا در جایی غضب پدر یا معلم را نسبت به بچه مشاهده می کند و در جای دیگر محبت های او را نمی بیند و یا برعکس.

علاوه بر این نقایص، روش مشاهده عموماً "با مسایل دیگری نظیر هزینه و دقت زیاد نیز همراه است.

۸- خلاصه و نتیجه

بررسی مسایل مختلف اجتماعی همیشه با روش پرس و جو (Survey, Interview) امکان پذیر نیست. در مواردی چون زمینه های جدید تحقیقی که اطلاعات کافی در مورد جامعه مورد مطالعه وجود ندارد (مثلاً تحقیقات مردم شناسانه) و یا امکان کسب واقعیات از طریق پرس و جو نیست، می توان از روش مشاهده استفاده نمود. روش مشاهده وقتی دارای اعتبار علمی است که براساس یک چهارچوب تئوریکی و فرضیه ها و متغیرهای مشتق شده از آن پایه ریزی و متغیرهای این فرضیات به طور عملی به طبقات و واحدهای قابل مشاهده برگردانیده شده باشد و در واقع مانند روش پرس و جو همان مطالبی که قرار است از طریق پرسش کشف شوند از طریق مشاهده (به طور مشارکتی یا غیر مشارکتی، پنهان یا آشکار) جستجو شوند. روش مشاهده دارای نقایص گوناگونی است که مهمترین آنها ادراک و مشاهده متفاوت مشاهده گران از یک واقعیت و دخالت زیاد ارزشهای فرهنگی، گرایشها و تجربیات در بینش و درک واقعیات است.

در مجموع باید گفت که به علت این منابع اشتباه متعدد، قابلیت اطمینان روش مشاهده نسبت به روش پرس و جو بسیار کمتر است. این نتیجه در بررسی روش شناسانه آقای جوزف الدر (Elder) به خوبی نشان داده شده است. او پس از تحقیقاتی مردم شناسانه که با روش مشاهده در هندوستان انجام داده بود، همان مسئله "گرایش هندی یا به زمان استعماری هندوستان" را با روش پرس و جو بررسی نمود و تفاوت های بارز این

دو روش و نقص روش مشاهده را نشان داد. مثلا "او بر اساس روش مشاهده به این تصور رسیده بود که قشر فقیر مردم هندوستان گرایش مثبتی به زمان استعماری انگلستان در هندوستان و قشر ثروتمند گرایش منفی به آن زمان دارند. اما پس از به کار بردن روش پرس و جو برای بررسی همان مسئله و مصاحبه با ۲۰۰ پاسخگو (بر اساس روش نمونه‌گیری) به این نتیجه رسید که هم قشر فقیر و هم قشر ثروتمند هر دو درباره استقلال هندوستان از بند استعمار خوشحال بودند. فقط قشر متوسط بود که احساس می‌کرد: "اوضاع تحت سلطه انگلستان بهتر بود" (Elder, 1973:2).

با توجه به این نکات روش مشاهده فقط در مواردی قابل استفاده است که روش پرس و جو رانتهوان به کار برد و یا با آن بتوان اطلاعات به دست آمده از مصاحبه را تکمیل نمود.

References:

- Atteslander, Peter (1975): Methoden der empirischen Sozialforschung. Berlin: de Gruyter.
- Bogardus, Emory S. (1928): Immigration and Race Attitudes. London: Health.
- Bales, Robert F. (1966, 1950): "Die Interaktionsanalyse: Ein Beobachtungsverfahren zur Untersuchung kleiner Gruppen". Pp. 148-170. In: Rene Konig (ed.): Praktische Sozialforschung - Beobachtung und Experiment in der Sozialforschung. Koln: Kiepenheuer & Witsch, 1966.
- Elder, Josef, W. (1973): "Using survey research methods in traditional societies". In: Research Methodology No. 29, A/D/C teaching forum.
- Friedrichs, Jurgen (1973): Methoden empirischer Sozialforschung. Reinbek: Rowohlt.
- Hoffmann, Micheal (1963): "Research on Opinion and Attitudes in West Africa. In: International Social Science Journal 15, 59-69.
- Hofstatter, Peter (1957): Gruppendynamik. Hamburg: Rowohlt.
- Huizer, G. (1973): "The a-Social Role of Social Scientists in Underdeveloped Countries". In: Sociologus, 23. H.2:165-177.
- Jahoda, Marie; Morton Deutsch und Stuart W. Cook (1966): Beobachtungsverfahren". Pp. 77-96. In: Rene Konig (ed.): Praktische Sozialforschung - Beobachtung und Experiment in der Sozialforschung. Koln: Kiepenheuer & Witsch, 1966.
- Kantowski, Detlev (1969): "Möglichkeiten und Grenzen der teilnehmenden Beobachtung als Methode der empirischen Sozialforschung". In: Soziale Welt H.4, 1969: 428-434.

- Kluckhohn, Florence (1966): "Die Methode der teilnehmenden Beobachtung". Pp. 97-114 In: Rene Konig (ed.): Praktische Sozialforschung - Beobachtung und Experiment in der Sozialforschung. Koln: Kiepenheuer & Witsch, 1966.
- Konig, Rene (1973): "Die Beobachtung" Pp.1-65 In Rene Konig (ed.) Handbuch der empirischen Sozialforschung. Bd.2:Techniken. Erster Teil. Stuttgart: Enke.
- Krech, David and Richard S. Crutchfield (1974): Grundlagen der Psychologie. Bd.I. Weinheim: Beltz.
- Lynch, F. (1976): "Field data collection in Developing Countries: Experiences in Asia". A/D/C Seminar Report, No. 10.
- Mayntz, Renate; Kurt Holm; Peter Hübner (1972): Einführung in die Methoden der empirischen Soziologie. Opladen: Westdeutscher Verlag.
- Pinther, Arnold (1975): "Beobachtung" Pp. 497-518 In: Walter Friedrich und Werner Hennig (eds.): Der sozialwissenschaftliche Forschungsprozess. Berlin: VEB Deutscher Verlag der Wissenschaften.
- Popper, Karl R. (1972): "Naturgesetze und theoretische Systeme". In: Hans Albert (ed): Theorie und Realität. Tübingen: Mohr.
- Rafipoor, Faramarz (1974): Das "Extension and Development Corps" im Iran. Eine empirische Untersuchung zur Feststellung der effizienzrelevanten Faktoren und Beziehungen. Saarbrücken: SSIP.
- Rafipoor, Faramarz (1988): "Die Grenzen und Möglichkeiten der Methoden empirischer Sozialforschung in den Ländern der Dritten Welt. Versuch einer allgemeinen Orientierung und ihre Konkretisierung auf der Basis der Erfahrungen im Iran". In: Social Strategies: Forschungsberichte Vol 2, No.3 (November): 1-40.
- Reiss, Albert J. Jr. (1971): "Systematic Observation of Natural Social Phenomena". Pp. 3-33 in Herbert L. Costner (ed.): Sociological Methodology. San Francisco: Jossey-Bass.
- Scheuch, Erwin K. (1969): "Methoden". Pp. 194-224. In: Rene Konig (ed.): Soziologie. Frankfurt/M.: Fischer.
- Webb, E.J.; D.T. Campbell; R.D. Schwartz and L. Sechrest (1966): Unobtrusive Measures: Nonreactive Research in the Social Science. Chicago.

زیبایی مرگ

جبران خلیل جبران

ترجمه سرور السادات جواهریان

مدرس مدعو گروه زبان و ادبیات انگلیسی

خلیل جبران نویسنده و شاعر مشهور لبنانی الاصل است که بخشی از عمر خود را در فرانسه گذراند و همانجا تحصیلات خود را در زمینه‌های هنری به پایان رسانید. جبران امریکا را برای اقامت دائم برگزید و به عنوان سرپرست دانشکده ادبیات عرب انتخاب شد. او آثارش را به زبانهای عربی و انگلیسی می‌نوشت. تقریباً تمام کارهای او رنگ و بوی مذهب مسیحیت دارد و اغلب نمادی غمگانه را منعکس می‌کند. یکی از آثار جبران که شهرتی جهانی کسب کرده "پیامبر" است که در سال ۱۹۲۳ به رشته تحریر کشیده شد. این قطعه که نثر مسجع سمبلیک است در چاپهای متعدد به زبانهای مختلف ترجمه شده است. او چندین اثر معروف دیگر هم نوشته که برخی از آنها را با نقاشیهای خود آراسته است. زمینه اصلی آثار جبران مسایلی مانند عشق، مرگ و طبیعت است که حال و هوای رمانتیک دارد و از آثار "ویلیام بلیک" یا مطالب انجیل، تاثیر پذیرفته است. شعر "زیبایی مرگ" یکی از آثار معروف این شاعر لبنانی است.

زیبایی مر

اول - یادبود

بگذار بخواهم چون روحم مست عشق است

و بگذار بیارامم چون روانم از روزها و شبها زیبایی به عاریت گرفته.

شمعها را بیفروز و کنار بستم کندر و عود بسوز

آن دم گلبرگهای گل یاس و گل سرخ را بر پیکرم بیفشان،